



ایران با قرار دادن تنگهٔ هرمز در کانون دکترین جدید خود، در پی
 تغییر معادلهٔ امنیتی غرب آسیا و پایان دادن به نظم تحمیلی
 قدرت های فرامنطقه ای است.

نبرد بر سر نظم آیندهٔ غرب آسیا در تنگهٔ هرمز

سرمقاله

تا یک قرن قبل، محل تاخت و تاز امپراطوری بریتانیای
 کبیر بود. میدان تاخت و تاز استعمار قدیم و جدید، حالا
 محل عرض اندام و قدرت نمایی تهران شده است. کشور
 مستقل و با ارادهٔ غرب آسیا که قدرتش را نه از اتکا به قدرت
 نظامی یا دیگر قدرت های بیگانه و فرامنطقه ای، بلکه با
 اتکا به عقبهٔ اجتماعی و مردمی خود و سایر آزادی خواهان
 منطقه به دست آورده است.

ایران و آزادی خواهان محور مقاومت این فرصت را برای
 سیادت و اعمال یک نظم بومی برآمده از منطقه از دست
 نخواهند داد و اجازه نمی دهند به مانند یک قرن قبل،
 کارمندان دستگاه های استعماری، نظم این منطقه را
 تعیین کنند. این بار نظم منطقه با دست باکفایت
 ساکنان همین منطقه رقم خواهد خورد و کشمکش بر
 هرمز مصداق روشن این گزاره است. امریکایی ها باید
 تمرین کنند که هرمز هرگز دیگر به دوران پیش از جنگ
 باز نخواهد گشت.

جنگ افروزی ها را بپردازند. نه تنها تمامیت ارضی ایران،
 بلکه همهٔ منافع تهران و محور مقاومت زیر این معادلهٔ
 جدید قرار می گیرد. تضمین این معادلهٔ جدید هم فقط
 تعهد طرف امریکایی و غربی نخواهد بود. تضمین در
 دستان خود ایرانی هاست: ترتیبات ایرانی برای هرمز! آن
 کسی که ترتیبات هرمز را در اختیار و کنترل داشته باشد،
 نظم امنیتی و سیاسی غرب آسیا را هم متأثر خود کرده
 است و این دقیقاً همان چیزی است که ایالات متحده
 امریکا را به درد آورده است. نزاع ایران و امریکا با محوریت
 هرمز، نزاع بر سر ترتیبات نظم منطقه ای فردای غرب
 آسیاست. این وضعیت آنجایی اهمیت مضاعف پیدا
 می کند که در نظر داشته باشیم در یک قرن اخیر، این
 برای اولین مرتبه است که یک قدرت منطقه ای از خود
 منطقه در حال برقراری نظم جدید در منطقهٔ خلیج فارس
 و غرب آسیاست. سابقهٔ نظم های این منطقه در ۴ دههٔ
 اخیر مربوط به ایالات متحده است و پیش از آن هم

نیست که بخش مهم و زیادی از انرژی دنیا از آن می گذرد.
 ایران حالا مصمم است که معادلهٔ امنیتی جدید منطقه ای
 خود را شکل دهد. تنگهٔ هرمز نقطهٔ کانونی و اصلی این
 معادله خواهد بود. تجاوز نظامی اخیر ائتلاف اسرائیلی-
 امریکایی دیگر جای هیچ خویشتن داری برای ایران باقی
 نگذاشته است. حالا دیگر برای همه به اثبات رسیده که با
 این ائتلاف متجاوز، جز با زبان زور و قدرت، با زبان دیگری
 نمی شود تعامل کرد. از همین منظر هم ایران، بعد از
 قریب نیم قرن بعد از انقلاب اسلامی، بالاخره تصمیم
 نهایی را گرفت: امنیت در منطقه یا برای همه یا هیچ کس،
 ولو آنهایی که جغرافیایشان در غرب آسیا نیست. در
 دکترین جدید ایران، تنگهٔ هرمز قرار است دال مرکزی
 یک نظم امنیتی به سود ایران و محور مقاومت باشد.
 دیگر قرار نیست که متجاوزین فرامنطقه ای هر وقت
 اراده کردند، برای ساکنان غرب آسیا ایجاد هزینه و دردرسر
 کنند. برحسب معادلات جدید، حالا همه باید هزینهٔ این

(۴۹) امریکایی ها از چند هفتهٔ گذشته تبلیغات سنگینی
 را آغاز کرده اند مبنی بر آنکه تنگهٔ هرمز، باز و تحت کنترل
 آنهاست. زد و خورد های ۲۴ ساعت گذشته بین نیروهای
 مسلح جمهوری اسلامی ایران از یک سو و ارتش تروریستی
 ایالات متحده از سوی دیگر، نه تنها نشان داد که این تنگه
 هنوز و پس از ۶ ماه از آغاز جنگ، تحت کنترل و مدیریت
 ایران است، ادعای عادی شدن عبور و تردهای حامل
 انرژی در آن هم یک دروغ بزرگ است. گویا رقابت های
 انتخاباتی درون ایالات متحده چنان بر سردمداران امروز
 کاخ سفید فشار آورده که می خواهند شکست خود در
 میدان را با دوپینگ تبلیغاتی در افکار عمومی و رسانه
 جبران کنند. با همهٔ اینها، اما میدان چیزی خلاف ادعای
 امریکایی ها را اثبات می کند. هرمز همچنان بسته و تحت
 کنترل ایران است. امریکایی ها باید آرام آرام تمرین کنند
 که هرمز هرگز دیگر به دوران پیش از جنگ باز نخواهد
 گشت. اهمیت هرمز برای ایران فقط یک راهگذر دریایی

#اعتراف نظامی آمریکایی

هیچ سامانه ای نتوانسته جلوی موشک های ایران را بگیرد

(۴۹) در میانه جنگ منطقه ای و در شرایطی که کشورهای
 منطقه بخش قابل توجهی از توان دفاعی خود را به
 سامانه های آمریکایی و غربی متکی کرده اند، اظهارات یک
 افسر بازنشسته آمریکایی درباره توان موشکی ایران قابل
 تأمل است.

سرهنگ دنیل دیویس، افسر بازنشسته ارتش آمریکا و
 تحلیلگر مسائل نظامی و سیاست خارجی، با اشاره به
 نگرانی کشورهای عربی از رویارویی مستقیم با ایران می گوید:
 «رهبران عربستان سعودی احمق نیستند آنها می دانند وقتی
 ایران به سمت هدفی شلیک می کند، موشک هایش معمولاً
 به هدف اصابت می کنند. حتی اگر تمام این سامانه های
 پدافندی، تاد، پاتریوت پک-۳ و دیگر تجهیزات را در اختیار
 داشته باشند و حتی سامانه ها و اجزای گنبد آهنین را هم
 داشته باشند.»

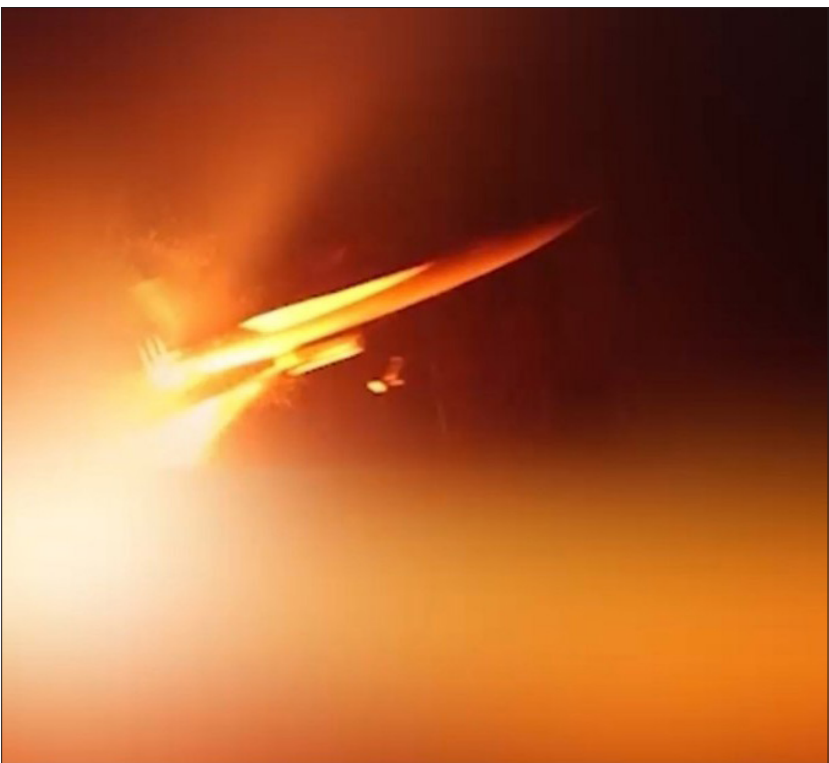
دیویس در ادامه، پرسشی اساسی درباره کارآمدی این
 سامانه ها مطرح می کند: «آیا این تجهیزات تاکنون
 توانسته اند جلوی این حملات را بگیرند؟ پاسخ کاملاً روشن
 است: نه.»

او سپس دامنه این ارزیابی را فراتر از یک جبهه خاص می برد
 و تصریح می کند: «در پایگاه های آمریکا هم نتوانستند، در
 عربستان، اردن، کویت، بحرین و امارات هم نتوانستند. در
 واقع، هیچ کس نتوانست جلوی این حملات را بگیرد.»

قاب

تصویری از لحظات حمله ارتش جمهوری اسلامی ایران به پایگاه آمریکا در امارات

(۴۹) روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران با انتشار ویدیویی اعلام
 کرد، از بامداد امروز در پاسخ به تجاوزات اخیر دشمن متجاوز و در انتقام
 شهدای دلیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مردم بی گناه ایران اسلامی
 در جزیره لارک، ارتش جمهوری اسلامی ایران، محل های استقرار بالگردها و
 نیروهای ارتش کودک کش آمریکا در پایگاه المنهاد امارات را با شلیک ده ها
 پهپاد انتحاری، هدف قرار دادند. در ویدیوی منتشر شده از سوی ارتش
 پرتاب پهپادهای آرش قابل مشاهده می شود.



#اعتراف تاکر کارلسون

ترامپ باید فوراً برکنار شود

(۴۹) اظهارات اخیر دونالد ترامپ درباره امکان استفاده از
 سلاح های کشتار جمعی، بار دیگر بحثی را مطرح کرده که فراتر
 از اختلافات معمول سیاسی میان تهران و واشنگتن است؛
 مسئله ای که حتی در داخل آمریکانیز با واکنش های جدی مواجه
 شده است. در همین چارچوب، تاکر کارلسون، روزنامه نگار
 و مجری شناخته شده آمریکایی، با اشاره به اظهارات ترامپ
 درباره استفاده از سلاح هسته ای گفت این سخنان به معنای
 عبور از یک خط قرمز است. او تأکید کرد هر مقام سیاسی که
 استفاده نخست از سلاح هسته ای را مطرح کند، صلاحیت ادامه
 رهبری را از دست داده و ترامپ باید فوراً از قدرت برکنار شود.
 این موضع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که بدانیم ترامپ
 پیش تر نیز درباره احتمال نابودی «تمام یک تمدن» در صورت
 شکست مذاکرات با ایران سخن گفته بود. البته ترامپ بارها
 در مورد ایران بلوف هایی زده که اقتدار ایران باعث برملا شدن
 توخالی بودن آن ها شده و هر بار ترامپ عقب نشینی کرده است.
 با این حال، مسئله اصلی چیز دیگری است. اهمیت ماجرا در این
 است که ادبیات هسته ای، حتی در سطح تهدید و بازدارندگی،
 وارد فضای سیاسی آمریکا شده است. واکنش کارلسون نیز
 نشان می دهد درباره تبعات چنین ادبیاتی در داخل آمریکا
 اختلاف نظر جدی وجود دارد.

اگر این روند ادامه پیدا کند، موضوع فقط به مسئله ایران و
 آمریکا محدود نخواهد ماند و می تواند بر محاسبات امنیتی کل
 منطقه و حتی نظم بین المللی تأثیر بگذارد.